



پیام سازمان آزادی زن بمناسبت اول ماه

اول ماه مه روز آزادی، برابری و رفاه!

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز اعتراض به فقر و نابرابری، تبعیض، ستم و سرکوب، روز دادخواهی بشریت کارگر و اعلام مانیفست آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری است. اول ماه مه روزی است که طبقه کارگر آزادیخواه، برابری طلب و سوسیالیست در اعتراض به سرکوب و استثمار سرمایه داری و به امید یک آینده آزاد و برابر و مرفه با پرچم های سرخ به میدان می آید. از این رو است که اول ماه فقط روز کارگران نیست. روز تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب، روز بشریتی است که علیه این پیش از تاریخ سرکوب و استثمار بپا خاسته است و برای یک دنیای بهتر، یک دنیای آزاد، برابر و مرفه مبارزه میکند.

صفحه ۲

طیف های درون جنبش برابری طلب ایران تاکنون در مقابل این مسئله سکوت کرده اند را به قولی باید نه از بغض عمر بلکه از حب علی دانست. سکوت در مقابل اقداماتی که سازمان آزادی زن و به طبع آن آذر ماجدی به عنوان رئیس سازمان آزادی زن در دستور کار خود قرار داده است تنها نشان از عدم یک دیاگنوس جدی برای محقق کردن امر آزادی زن در ایران است. گزارش این کنفرانس و تعدادی از سخنرانی ها که آماده شده است در این شماره آزادی زن منتشر میشود و بقیه سخنرانی ها بتدریج که آماده میشوند در شماره های آینده خواهند آمد.

در آستانه اول مه باردیگر باید تاکید کرد که پیروزی جنبش برابری طلب در ایران بدون مبارزه بر علیه فقر و بیکاری، بدون مبارزه برای برقراری یک دنیای بهتر و یک زندگی انسانی نمیتواند به پیروزی برسد. برای به ثمر رساندن این امر مهم باید در روز جهانی کارگر همراه میلیونها انسان زحمت کشی که آفرینندگان همه ی نعمات این دنیا هستند در صفوف میلیونی به اعتراض پرداخت و خواهان پایان دادن به تبعیض و ستم کشی و فرودستی همه ی انسانها شد. سازمان آزادی زن در هر جا که میتواند حضور داشته باشد صدای حق طلبی و برابر خواهی خواهد بود.

پروین کابلی ■

متن سخنرانی ملالی جويا در کنفرانس جهانی "سازمان آزادی زن" به مناسبت روز جهانی زن

صفحه ۶



از ۸ مارس تا اول مه ۲۰۱۰

سخن سردبیر

در سیاست ایران تصاویر به سرعت عوض میشوند. این تصاویر فقط بخشی از تأثیری است که مبارزات مردم بر روند تغییر در ایران آغاز نموده اند. دیگر جای هیچگونه شبهه

ای نیست که زنان در تغییرات آتی ایران نقشی اساسی ایفا خواهند نمود. اگر قرار است زلزله ای اتفاق بیفتد میشود خسارات ناشی از این زلزله را به گردن زنان انداخت. سوال این است که چه کسانی خانه خراب میشوند و زلزله بی خانمان شان میکند. جواب روشن است. کسانی که در سه دهه اخیر بیشترین جنایت را بر علیه مردم ایران مرتکب شدند. تلاش نمودند که زنان را به دوران عصر حجر بازگردانند و آپارتاید جنسی را به نرم تبدیل کردند. اینان هستند که قربانین اصلی خواهند بود.

۸ مارس امسال دو نشان مهم بر خود داشت. اینکه در ایران به دلیل دستیگیری ها و تعقیب فعالین برابری طلب و زنان سکوت بیشتری برقرار شد. هر چند اینجا و آنجا اتفاقاتی افتاد که با توجه به اوضاع حاکم بر ایران باید به عنوان حرکت های مهم آنها را ارزیابی نمود.

در خارج ایران اپوزیسیون چپ از طیف های مختلف مراسم و آکسیونهای اعتراضی را در همه جا برگزار کردند. به نوع بی سابقه ای این آکسیونها امسال چشمگیر و متنوع بود. شاید ۸ مارس امسال جوابی خودبخودی به فضای ارباب و تروری بود که در ایران برقرار شده است. اما در این میان کنفرانس سازمان آزادی زن در گوتنبرگ سوند جایگاه ویژه ای بخود گرفت. این کنفرانس را که با تم جنبش بین المللی آزادیخواه، برابری طلب و سکولار برای یک دنیای بهتر برگزار گردید باید به عنوان یک نقطه عطف مهم ارزیابی نمود. این کنفرانس و نتایج حاصل از آن در رشد و تکامل خود باید جنبش وسیعی را دور خود سازمان دهد و جایگاه ویژه ای را در جنبش برابری طلب ایران باز کند. در این کنفرانس سخنرانان با موقعیت های مختلف و از نقاط مختلف دنیا، با این توافق که سکولاریسم میتواند یک قدم مهم در امر رهائی زنان باشد، از زاویه های مختلف به بحث پرداختند. سازمان دادن یک جنبش در میان طیف سکولار میتواند یک پشتوانه مهم برای تغییر و تحولات آینده ایران باشد. باید این قطب را جدی گرفت و حول آن خود را سازمان داد. اینکه فعالین دیگر

ایجاد یک جنبش بین المللی آزادیخواه، برابری طلب و سکولار برای یک دنیای بهتر امر ما است!

گزارش کنفرانس موفق بین المللی بمناسبت ۸ مارس در سوند
صفحه ۲

کارگران و زنان، برای تبدیل جهان به یک دنیای بهتر متحد شوید!

سکولاریسم از افغانستان و سایر سخنرانان هوگو استرلا، ماریا رشیدی، نینا سانکاری، پروین کابلی، ماریا گازمن، آذر ماجدی، شهلا نوری، لیلین هالس فرنچ و مریم هلی لوکاس بودند.

کنفرانس با پخش ویدئوی "یک آجر دیگر در دیوار" ورژن جدید آهنگ کلاسیک "دیوار" پینک فلوید که در رابطه با خیزش اخیر مردم در ایران اجرا شده، آغاز شد. در بخش افتتاحیه کنفرانس مریم کوشا مدراتور کنفرانس، شهلا نوری از طرف کمیته برگزار کننده کنفرانس، لیلین هالس فرنچ رئیس ابتکار فمینیستی اروپا و آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن و عضو هیات اجرایی ابتکار فمینیستی اروپا، به شرکت کنندگان خوشامد گفتند و در مورد اهمیت این کنفرانس، ضرورت و اهداف سازماندهی چنین کنفرانس هایی صحبت کردند.



ابتدا مریم کوشا ضمن ارائه یک تاریخچه کوتاه در مورد ۸ مارس، سوابقاتی در رابطه با ریشه های ستمگشی زن در مقابل سخنرانان و شرکت کنندگان قرار داد. بعد شهلا نوری سخنانی در مورد آمار بسیار بالای خشونت نسبت به زنان در سراسر جهان و ضرورت مبارزه علیه آن صحبت کرد و همچنین از اسپانسرهای کنفرانس تشکر کرد. آنگاه، لیلین هالس فرنچ مختصراً ابتکار فمینیستی اروپا و فعالیت های آنرا معرفی کرد. وی به کنفرانس های متعدد ابتکار فمینیستی اروپا در ۵ سال اخیر اشاره کرد: بروکسل در پارلمان اروپا در ۲۰۰۵، رم در ۲۰۰۸، گوتنبرگ مارس ۲۰۰۹، مقدونیه اکتبر ۲۰۰۹، همین کنفرانس و بالاخره کنفرانسی که قرار است در قاهره در دسامبر ۲۰۱۰ برگزار شود. لیلین همچنین اشاره کرد که همزمان این سازمان درگیر سازماندهی فعالیت ها و کنفرانس های مختلف در گرامیداشت ۸ مارس است.

سپس آذر ماجدی به ضرورت سازماندهی یک جنبش وسیع بین المللی با هدف مبارزه برای آزادی و برابری زنان، سکولاریسم و ساختن یک دنیای بهتر اشاره کرد و توضیح داد که چگونه سازمان آزادی زن در این جهت فعالیت میکند و در سه سال اخیر این سومین کنفرانس بین المللی است که به ابتکار و کوشش سازمان آزادی زن سازمان یافته است. آذر اشاره کرد که در همین پروسه با ابتکار فمینیستی اروپا نزدیک شده ایم و با هم فعالیت های مشترک برای هدف مشترک سازمان داده ایم. آذر ماجدی گفت که نیروهای ارتجاع میکوشند که میان ما تفرقه اندازند و بر ما حکومت کنند. ما را به سکت های مختلف، نژادها، مذاهب، ملیت ها و جنسیت های مختلف تقسیم میکنند تا بر ما حکومت

دنباله پیام سازمان آزادی زن بمناسبت اول ماه مه

زنان آزادبخواه!

اول ماه مه و ۸ مارس بعنوان دو روز مهم در تاریخ بشریت آزادیخواه و برابری طلب به ثبت رسیده است. اول ماه مه روز اعتراض به نابرابری، روز نوید یک دنیای آزاد و برابر است. جنبش آزادی زن باید در این روز در کنار طبقه کارگر و تمام انسان های آزادیخواه به میدان بیاید و خواست آزادیخواهانه و برابری طلبانه خویش را با صدای رسا فریاد زند.

اول ماه مه امسال، بویژه روزی مهم و تعیین کننده در مبارزات مردم ایران برای آزادی، برابری و رفاه است. نزدیک به یک سال است که مردم ایران با چنگ و دندان علیه این رژیم سیاه و جنایتکار به میدان آمده اند؛ با تحمل مشقات بسیار و سرکوب خشن خواست خود را که به زیر کشیدن این رژیم سرکوب و زن ستیز است، به جهانیان اعلام کرده اند. رژیم اسلامی با تمام قوا میکوشد که مبارزات مردم، خیزش عظیم آزادیخواهانه آنها را سرکوب کند. این رژیم جنایتکار عزم جزم مردم را احساس کرده است. تلاش جنبش آزادی زن برای به زیر کشیدن این نظام فقر و فلاکت، نظام سرکوب و جنایت، نظام زن ستیز و آپارتاید جنسی را به عینه دیده است و رعشه مرگ را با پوست و گوشت لمس کرده است.

در چنین شرایطی، باید در اول ماه به خیابان ها آمد. باید صدای اعتراض مردم در این روز در گوشه و کنار جامعه انعکاس یابد. اول ماه یک روز مهم، یک روز اعتراض و دادخواهی است. در این روز جنبش آزادی زن باید در کنار جنبش طبقه کارگر در پیشاپیش صفوف آزادیخواهی و برابری طلبی به حرکت درآید. اول ماه روزی است که پیوند جنبش آزادی زن با جنبش آزادیخواهی طبقه کارگر برای یک آینده آزاد و برابر تحکیم می شود. **زنده باد آزادی و برابری**

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۹

ایجاد یک جنبش بین المللی آزادیخواه، برابری طلب و سکولار برای یک دنیای بهتر امر ما است!

گزارش کنفرانس موفق بین المللی بمناسبت ۸ مارس در سوئد

شنبه ۶ مارس ۲۰۱۰ به ابتکار سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا یک کنفرانس بین المللی بسیار موفق در بزرگداشت ۸ مارس، روز جهانی زن، در شهر گوتنبرگ، سوئد برگزار شد. سخنرانان کنفرانس از میان فعالین سرشناس جنبش آزادی زن، از کشورهای مختلف، افغانستان، مصر، ایران، الجزایر و اروپا دعوت شده بودند. میهمانان افتخاری این کنفرانس نوال السعداوی، نویسنده و فعال قدیمی و سرشناس حقوق زن از مصر و ملالی جویا، چهره جوان و شجاع مدافع حقوق زن و

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

گزارش کنفرانس بین المللی ۸ مارس در سوئد

کنند. ما باید بر این جدایی ها و تفرقه ها فائق آئیم. تلاش برای بسیج و سازماندهی یک جنبش بین المللی برای آزادی و برابری و سکولاریسم، تلاشی در این جهت است.

آنگاه آذر ماجدی میهمان اول کنفرانس، نوال السعداوی را معرفی کرد. آذر در معرفی نوال گفت که او یک سمبل جنبش آزادی زن در سطح بین المللی است. نوال تابوهای بسیاری را طی فعالیت طولانی خود شکسته است. بمنظور ایجاد تغییرات اساسی و تاثیرات عمیق بر جامعه، بعضی مواقع ضروری است که انسان خلاف جریان باشد و تابو شکنی کند. نوال چنین انسانی است. نوال یکی از اولین کسانی بود که چشم جهانیان را به جنایت مثله جنسی زنان و محرومیت زنان از لذت جنسی باز کرد. این یک تابو شکنی مهم بود، بخصوص در جامعه ای که او در آن زندگی میکرد. من برای اولین بار با این جنایت با خواندن کتاب او "چهره عریان زن عرب" The Hidden Face of Eve آشنا شدم.

نوال السعداوی در میان تشویق و ابراز و احساسات شرکت کنندگان به روی سن آمد. حضور وی هیجان و جنب و جوش بسیاری را در سالن بوجود آورد. نوال با سبکی بسیار زنده که مخاطبین خود را کاملا درگیر میکرد، در مورد اهمیت مبارزه علیه نفوذ و حاکمیت مذهب، مبارزه برای استقرار سکولاریسم صحبت کرد. وی همچنین به این نکته اشاره کرد که تمام مقولات را باید از نو مورد بررسی قرار دهیم. ترم هایی که سنتا استفاده شده است را باید بازبینی کنیم.

بطور مثال ترم جهان سوم، خاورمیانه یا دموکراسی در این زمره هستند. معانی این مقولات را باید از نو تعریف کنیم. وی همچنین در رابطه با مقوله نئوکولونیالیسم صحبت کرد.

پس از آن وقت به پانل اول رسید. لیلین هالس فرنچ و نینا سانکاری بترتیب سخنرانی کردند. لیلین هالس فرنچ سخنرانی خود را تحت عنوان "شهروندی کامل برای تمام زنان در نظام های سکولار یک پیش شرط جهانی برای صلح و دموکراسی است" ارائه داد. وی به خشونت و ناامنی وسیع علیه زنان اشاره کرد. لیلین گفت که طبق آمار در سطح جهان، از هر سه زن یک نفر در طول عمرش مورد ضرب و جرح یا سوءاستفاده جنسی قرار میگیرد. تعداد قربانیان عمل سقط جنین های دختر و خشونت های دیگری که نسبت به زنان اعمال میشود، فقط در ده پانزده سال اخیر بیش از قربانیان جنگ های قرن بیست است. در کنفرانس های مختلف ما در بروکسل، رم، پارسال در گوتنبرگ و مقدونیه در اکتبر بر این مساله تاکید شد. طبق شواهد و فاکت های ارائه شده در این کنفرانس ها یک رابطه قوی میان پاتریارکی، اولترا لیبرالیسم، فوندامنتالیسم مذهبی و میلیتاریسم وجود دارد. همچنین بر ضرورت گسترش جبهه مقاومت و ضرورت ایجاد حکومت های سکولار و قوانین جهانشمول تاکید کرد.

بعد از آن نوبت به نینا سانکاری رسید. نینا بر عقبگرد فاحش در موقعیت و حقوق زن بویژه در لهستان اشاره کرد. وی گفت که ۹ میلیون نفر اعضای همبستگی در دهه ۸۰ برای دموکراسی مبارزه کردند. اما سقوط نظام

باصطلاح کمونیستی در ۱۹۸۹ رابطه کلیسا و دولت را بطور عمیقی تغییر داد. سکولاریسم که با نظام شکست خورده تداعی میشد، به یک مقوله شیطانی بدل شد. جریان راست در ائتلاف با کلیسا دو استریوتایپ را طرح و تبلیغ میکند: کمونیست برابر است با آته نیست و مساوی است با خیانتکار به میهن. همچنین لهستانی خوب برابر است با کاتولیک خوب. تغییر قوانین طی این سالها سیستم سکولار حاکم را کاملا از میان برده و کلیسا را کاملا وارد حکومت

کردند.

سخنران اول بخش دوم، ملالی جویا، نماینده سابق پارلمان افغانستان بود. آذر ماجدی ملالی را این چنین معرفی کرد: باعث افتخار ما است که توانسته ایم فعالین مبارز و متعهدی را نه تنها از نقاط مختلف جهان، بلکه از نسل های مختلف به کنفرانس دعوت کنیم. ملالی نماینده یک نسل جدید از فعالین حقوق زن است. او در سخت ترین و زن ستیز ترین شرایط برای حقوق زن مبارزه میکند. افغانستان



کشوری است که در جنگ میان دو قطب تروریسم، تروریسم دولتی به رهبری آمریکا و تروریسم اسلامی تکه پاره شده است. کشوری که تحت این جنگ به دوران قرون وسطی برگردانده شده است. کشوری که در آن ارزش انسان و انسانیت هر روزه به سخره کشیده میشود.

سپس فیلم کوتاهی از درگیری و جدل ملالی با دیگر باصطلاح نمایندگان مجلس افغانستان به نمایش درآمد. حین پخش این فیلم، سالن کنفرانس کاملا به هیجان آمده بود و شرکت کنندگان در تحسین شجاعت این زن جوان ابراز احساسات میکردند. حضور ملالی روی سن با کف زدن های ممتد و ابراز احساسات بسیار گرمی روبرو شد. ملالی

کرده است. سقط جنین ممنوع شده است. در لهستان، همچنین در سایر نقاط، ما اکنون با عقبگرد جدی در موقعیت و حقوق زن و حقوق بشر بطور کلی، با از هم پاشیده شدن دموکراسی و ویرانی دولت رفاه روبرو هستیم. تاکید بر بازتعریف دموکراسی و تلاش برای استقرار سکولاریسم یک نکته اصلی صحبت نینا بود.

در زمان پرسش و پاسخ نوال السعداوی نیز به پانل پیوست و شرکت کنندگان سوالات خود را مطرح کرده و از پانل پاسخ گرفتند. رابطه ایدئولوژی با پاتریارکی یا زن ستیزی سوالی بود که از نوال پرسیده شد و به بحث برانگیز بود. سپس در مورد ممنوعیت برقع سوال شد و پانل در مورد نقش سرکوب کننده حجاب سخنانی عنوان

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

گزارش کنفرانس بین المللی ۸ مارس در سوئد

ضمن تشکر از سازمان آزادی زن که او را به کنفرانس دعوت کرده بود در مورد وضعیت دلخراش جامعه افغانستان صحبت کرد. وی گفت که زندگی مردم کاملاً از هم پاشیده شده است و کشتار مردم توسط ارتش آمریکا و ناتو را محکوم کرد. از پرتاب بمب خوشه ای بر مردم صحبت کرد. او همچنین به سازش دولت آمریکا با طالبان اشاره کرد و اینکه در شرایط کنونی آمریکا دارد با رهبران طالبان برای شرکت در قدرت مذاکره میکند. او همچنین گفت که کار بدستان در افغانستان نسخه فتوکپی طالبان هستند و آخوندهای فکل کراواتی اند. او ادامه داد که وضعیت مردم و بویژه زنان در افغانستان بسیار اسفناک است. در پایان رو به مردم ایران سخنانی ایراد کرد. وی گفت که فریب موسوی و کروی و این اصلاح طلبان را نخورید. اینها همدست خمینی فاشیست بوده اند. و به افشای تعدادی از ژورنالیست ها و شخصیت های ملی - اسلامی از قبیل محسن مخملباف و بهنود پرداخت که چگونه از مرتجعین اسلامی در افغانستان دفاع میکنند.

بخش بعدی برنامه به همبستگی با زنان و جنبش آزادی زن در ایران اختصاص داشت. ابتدا فیلمی از تظاهرات و اعتراضات زنان در ۸ مارس ۱۳۵۷ پخش شد. سپس لیلین هالس فرنچ پیام ابتکار فمینیستی اروپا به زنان ایران را قرائت کرد. پس از آن یک اسلاید شو از سرکوب، مقاومت و مبارزه زنان در ایران علیه رژیم اسلامی و همچنین خیزش اخیر مردم و نقش زنان در آن که توسط مریم کوشا تهیه شده است، به نمایش درآمد. این

اسلاید شو با استقبال بسیار گرم حاضرین روبرو شد. بسیاری از تأثیر بسیار عمیق این اسلاید شو در کنار کنفرانس صحبت میکردند. بخصوص میهمانان کنفرانس بسیار تحت تأثیر این اسلاید شو قرار گرفته بودند.

پانل بعدی شامل آذر ماجدی، ماریا رشیدی و مریم هلی لوکاج بود. ابتدا آذر ماجدی سخنان خود را با اشاره به اسلاید شو آغاز کرد. وی گفت که این اسلاید شو بخوبی موقعیت و جایگاه جنبش آزادی زن و نفرت مردم از رژیم اسلامی را نشان میدهد. نشان میدهد که مردم خواهان به زیر کشیدن این رژیم و نه اصلاح آن هستند. آذر سپس گفت که موقعیت و جایگاه جنبش آزادی زن در جامعه و در خیزش اخیر است که ما را بر آن میدارد که اعلام کنیم "انقلاب آتی ایران، یک انقلاب زنانه است." جنبشی که در ایران آغاز شده است این نظام را به زیر خواهد کشید. این خیزش و جنبش آزادیخواهانه در رابطه با اسلام همان نقشی را بازی خواهد کرد که انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ با کلیسا و مسیحیت انجام داد. این جنبش یک ضربه بزرگ به اسلام است.

ماریا رشیدی به گسترش غیرقابل باور خشونت علیه زنان در جهان اشاره کرد. وی گفت که وضع زنان بخصوص در بخشی از جهان که به جهان سوم معروف است بسیار اسفناک تر است. او آمارهایی تکان دهنده از میزان خشونت علیه زنان در جهان ارائه داد و بر ضرورت تمرکز و مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان تأکید کرد.

مریم هلی لوکاس از رشد فاندومانتالیسم در اروپا صحبت کرد. او گفت که از بیست سال

پیش این جریان همانگونه که در کشورهای تولد ما انجام داده اند، ابتدا حقوق زنان را مورد حمله قرار دادند. اینها به حقوق زنان تحت نام حقوق اقلیت ها، حقوق مذاهب و فرهنگ ها یورش میکنند. بعد به کل بنیان نظام سکولار حمله ور میشوند و مردم را در کامیونیتی های مختلف متفرق میکنند. در فرانسه ما شاهد مبارزه زنان مهاجر از منطقه مغرب هستیم که زیر تبعیض و راسیسم که به



مورد آن صحبت شده، رابطه نزدیک مهماتا گاندی باهیتلر و انعقاد معاهده میان آنها بود. مهماتا گاندی یک رهبر سیاسی است که به خشونت گریزی در تاریخ مبارزات ضد کولونیاستی و اجتماعی معروف شده است، بویژه اکنون اصلاح گرایان دولتی و جنبش ملی - اسلامی ایران بسیار به او ارجاع میدهند و مردم را به پیروی از سیاست های او ترغیب میکنند.

پروین کابلی در مورد حقوق کودک و مذهب صحبت کرد. وی بر اساس مباحث و رساله منصور حکمت در مورد حقوق کودک بر لزوم سکولاریسم و عدم دخالت مذهب در زندگی کودک اشاره کرد. و بر مساله ممنوعیت حجاب برای دختران زیر سن قانونی تأکید کرد.

ماریا گازمن در مورد حق زنان در دسترسی برابر به

علت شرایط بحران اقتصادی تشدید شده از یک سو، و یک چپ جبون که از اسلامیت ها دفاع میکند و سازمان های حقوق بشر که فقط بر دولت های متمرکز میشوند، دارند، له میشوند.

در پایان سخنرانی ها، ملالی جویا نیز به پانل پیوست و زمان پرسش و پاسخ فرا رسید. بحث بسیار داغی در این بخش شکل گرفت. رابطه نیروهای چپ و مساله حمایت برخی نیروهایی که تحت نام چپ فعالیت میکنند از اسلامیت ها موضوع یک بحث داغ شد. همچنین از ملالی پرسیده شد که چرا او فقط به اسلام سیاسی اشاره میکند و راجع به اسلام سخن نمیگوید یا اسلام را از زیر نقد و حمله خارج میکنند. در اینجا ضرورت شخصی بودن یا خصوصی بودن مذهب و سکولار بودن جامعه طرح

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

گزارش کنفرانس بین المللی ۸ مارس در سوئد

آموزش و پرورش صحبت کرد. او ضمناً به گسترش یک ترند خطرناک اشاره کرد که اکنون در دانشگاه اوپسالا مشاهده میشود، تلاش برای تبلیغ و توجیه رسمیت دادن به قانون شریعه بطور موازی با قوانین کشوری.

در بخش پرسش و پاسخ محاکمه تروریست های اسلامی که جنایت مرتکب شده اند و پناهندگی شان به سوئد طرح شد. بطور مثال اینکه چند نفر از تروریست های اسلامی الجزایر اکنون در سوئد پناهنده شده اند و اینکه برای محاکمه آنها آیا اقدامی انجام میگردد. همچنین لزوم افزایش دولت های غربی در تلاش برای پنهان کردن نقش کلیسای کاتولیک و نهاد مذهب مورد اشاره قرار گرفت. به این مساله اشاره شد که فرضاً توجمن رهبر ناسیونالیست کرواسی چگونه با هیتلر و نازیسم همکاری کرده بود و دولت های غربی او را تا حد قهرمان ارتقاء دادند.

کنفرانس با سخنان اختتامیه لیلین هالس فرنچ و آذر ماجدی پایان یافت. لزوم گسترش و تحکیم یک جنبش بین المللی آزادیخواه و برابری طلب و سکولار مورد تاکید قرار گرفت. پیام ابتکار فمینیستی اروپا به زنان ایران توسط کنفرانس بعنوان قطعنامه آن به تصویب رسید. همچنین همه به شرکت در کنفرانس قاهره دعوت شدند.

پس از آن پولینا آهنگ "ایمچین" جان لنون را بسیار زیبا با پیانو نواخت که مورد استقبال و تشویق بسیار حاضرین قرار گرفت. و سپس از کلیه کسانی که بیدریغ در سازماندهی این کنفرانس موفق

و پرشور و برپایی آن زحمت کشیده بودند تشکر شد. و به آنها و سخنرانان هر یک، یک شاخه گل سرخ اهدا شد.

کنفرانس موفق شد که مباحث بسیار جدی و عمیق را در یک فضای پر شور و گرم ارائه دهد. کنفرانس شش ساعت بطول انجامید و حدود دویست نفر در آن شرکت کردند تا به سخنرانی های متنوع از فعالین سرشناس سیاسی و جنبش حقوق زن از کشورهای مختلف گوش فرا دهند. فرصتی بود که بحث های گرم و بعضاً بحث برانگیز مطرح شود. موقعیت جنبش آزادی زن در ایران، نبرد آن با رژیم زن ستیز اسلامی به روشنی و صراحت در آنجا تصویر شد. پتانسیل انقلابی و دگرگون کننده خیزش اخیر مردم و جایگاه جنبش آزادی زن در آن طرح و بحث شد. یک پیام همبستگی زیبا و عمیق خطاب به زنان در ایران اعلام شد. این یک کنفرانس بمعنی واقعی موفق بود که توانست به اهدافی که برای خود قرار داده بود نائل شود. روحیه همبستگی که در میان بسیاری از داوطلبین به کمک وجود داشت بسیار قابل تحسین بود. پیوند رفیقانه و عمیقی که میان سازمان آزادی زن و همکاران بین المللی اش وجود داشت هر چه بیشتر تعمیق شد. ما امسال توانستیم به گوشه های دیگری از جهان نفوذ کنیم. سال پیش توانسته بودیم به گرجستان، لبنان، فلسطین و اسرائیل رسوخ کنیم، امسال مصر و افغانستان را به این لیست اضافه کردیم. تلاش برای سازماندهی یک جنبش بین المللی برای آزادی، برابری، سکولاریسم و ایجاد یک دنیای بهتر، و علیه دو قطب تروریسم را که سالها پیش آغاز کرده ایم با این

کنفرانس وارد یک مرحله نوینی شد و تحکیم و تعمیق شد. سازمان آزادی زن دست همه کسانی که برای موفقیت این کنفرانس تلاش کردند به گرمی میفشارد.

لازم به یادآوری است که تمام مباحث این کنفرانس بطور همزمان به زبان های فارسی، سوئدی و انگلیسی ترجمه

میشد. این اقدام، بویژه، شرکت تعداد زیادی از فارسی زبانان مقیم شهر گوتنبرگ را در این کنفرانس بین المللی فراهم آورد. دوستان بسیاری از ما بخاطر تامین چنین تسهیلاتی تشکر و قدردانی کردند. بعلاوه توانستیم ۳۰۰۰ کرون کمک مالی به سازمان آزادی زن جمع آوری کنیم. در بیرون سالن کنفرانس میز کتاب هایی از سازمان آزادی زن، حزب اتحاد کمونیسم کارگری و انتشارات "اورد فروند" که آخرین کتاب نوال السعداوی را به سوئدی ترجمه و منتشر کرده است برپا بود. کتاب نوال هنوز در بازار عرضه نشده و انتشارات اورد فروند از فرصت حضور نوال السعداوی در کنفرانس ما استفاده کرد تا این کتاب را به بازار سوئد عرضه کند.

لازم به ذکر است که روز ۵ مارس در محل دفتر سازمان

آزادی زن در شهر گوتنبرگ مصاحبه مطبوعاتی بمدت ۳ ساعت انجام گرفت. علاوه بر برخی رسانه ها تعدادی از علاقمندان امر آزادی زن و سکولاریسم، دانشجویانی که تز خود را در مورد خشونت های ناموسی یا رابطه مذهب و ستمکشی زن می نویسند در محل حضور داشتند. این کنفرانس مطبوعاتی عملاً خود



به یک کنفرانس کوچکتر با شرکت حدود سی نفر تبدیل شد و مباحث بسیار داغی طی آن انجام گرفت. نقش مذهب، اسلام و اسلام سیاسی، حجاب، دو قطب تروریسم و جنگ تروریست ها، موقعیت ایران و جنبش آزادی زن در ایران از جمله مباحثی بود که در این کنفرانس مطبوعاتی طرح و بحث شد. برای برخی از ژورنالیست ها و شرکت کنندگان دیگر این مباحث تازگی داشت و با هیجان خواهان بحث بیشتر بودند.

خبر تشکیل این کنفرانس در روزنامه یوتیوری پستن و ژورنال "قریایی اورد" و بسیاری از وب سایت های بین المللی و فارسی زبان منتشر شد. همچنین مصاحبه هایی توسط رسانه های سوئدی، دانمارکی و فارسی زبان چه پیش از کنفرانس، چه در مصاحبه مطبوعاتی، چه در خود

رهائی زن رهائی جامعه است!

گزارش کنفرانس بین المللی ۸ مارس در سوئد

کنفرانس یا بعد از آن با سازماندهندگان و سخنرانان انجام گرفت. از جمله رادیو سوئد با

نوال السعداوی، رادیو "صبح شنبه با شما" با آذر ماجدی و ملالی جویا، رادیو سپهر با آذر ماجدی، رادیو یک دنیای بهتر پیش از کنفرانس با شهلا نوری و آذر ماجدی صحبت کردند. روز بعد از کنفرانس رادیو "یک دنیای بهتر" یک میزگرد با سازماندهندگان و برخی سخنرانان در استودیو تشکیل داد و یک بحث جالب و زنده ای در استودیو انجام گرفت. تلویزیون یک دنیای بهتر چه پیش از کنفرانس و چه پس از آن با آذر ماجدی مصاحبه کرد و ضمناً مصاحبه ای که آذر ماجدی با ملالی جویا انجام داده را روز سه شنبه ۹ مارس از تلویزیون که روی شبکه ساتلایتی در ایران، اروپا و آمریکا قابل دسترس است، پخش نمود. (این مصاحبه اکنون روی یوتیوب قابل دسترس است.) رادیو پارس در سوئیس روز ۸ مارس در رابطه با کنفرانس با آذر ماجدی مصاحبه کرد. رادیو البرز در یوتیوب گزارشی زنده در محل کنفرانس تهیه کرد و با آذر ماجدی و برخی شرکت کنندگان و سخنرانان مصاحبه کرد. روزنامه دانمارکی "کریستی داگ بلاد"، در مصاحبه

مطبوعاتی شرکت کرد و با ملالی جویا برای تهیه پرتره ای از او مصاحبه کرد و همچنین با برخی از سخنرانان صحبت نمود. خبر کنفرانس در این روزنامه منتشر شد. قرار است که یوتیوبی پستن و کریستی داگ بلاد گزارش کنفرانس را نیز منعکس کنند. پس از کنفرانس تعدادی دیگر از رسانه ها از جمله یک شبکه رادیوی سراسری دیگر سوئد با شهلا نوری برای مصاحبه با سخنرانان تماس گرفتند که متأسفانه سخنرانان محل را ترک کرده بودند. عکس ها و فیلم کل کنفرانس بزودی و بتدریج در وب سایت سازمان آزادی زن قابل دسترسی خواهد بود.

www.azadizan.net

www.youtube.com/watch?v=4bRfwd-KLyg

بخش اول مصاحبه آذر ماجدی با ملالی جویا

www.youtube.com/watch?v=zX_SwQ4GD5M

بخش دوم

سازمان آزادی زن ۹ مارس ۲۰۱۰

مردم ما حاکم ساخت و روز تا روز آنان را قدرتمندتر میسازد. از همین رو امروز وضعیت زنان و مردم ما در مجموع فرق چندانی با دوران طالبان نداشته و جنگ، نا امنی، فقر، چپاولگری، استبداد و فاشیسم همچنان مردم ما را در چنبره اش فشرده است که متأسفانه بعلت کمبود وقت نمیتوانم نمونه های دردناکی از آنها را به شما بازگو کنم.

طی سی سال گذشته، مثل ایران و سایر کشورهای مسلمان، بنیادگرایان اسلامی در کشور ما مذهب را همچون حربه ای در دست گرفته بر فرق مردم ما کوبیده اند و از آن برای اهداف سیاسی و منفعت شخصی سود برده اند. جالب اینجاست که این گروه های تاریک اندیش و فاشیست هرکدام نسخه های رنگارنگ اسلام را پیش نموده و یکی علیه دیگر شمشیر کشی میکنند که درین میان بازهم مردم مظلوم و بیگناه قربانی بوده اند. اما در آنچه تمامی این گروهها اتفاق نظر دارند، ضدیت شان با تمامی مظاهر

مردم ما مستولی میسازند. در جریان جنگ سرد، تنها برای حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار، بیش از ششصد میلیون دالر بوسیله سی ای ای داده شد که آنرا به نیرویی مبدل ساخت که هزاران افغان بیگناه و آزادیخواه را به قتل رسانید.

بعد از یازدهم سپتامبر دولت متجاوز امریکا، زیر نام آوردن "دموکراسی" و "رهایی زنان"، افغانستان را مورد تجاوز نظامی قرار داد. دولت قرون وسطایی طالبان را نابود کرده و بنیادگرایان موسوم به ائتلاف شمال را که تاریخچه مملو از جنایت و خیانت و چپاولگری داشتند دوباره بر قدرت نصب کرد. امریکا دولتی را در افغانستان روی کار آورد که متشکل از خونریزترین نیروها و عناصر از مزدوران سابق روس گرفته تا جنگسالاران و تکنوکراتهای سرسپرده سی ای ای بود. این در واقع آغاز دور جدیدی از خیانت دولت امریکا و متحدان غربیش به مردم افغانستان بود که دشمنان مردم ما را دوباره بر سرنوشت

ستمگر و زن ستیز در هردو کشور حکم میرانند و این دو کشور را به ماتمکده مبدل ساخته اند.

شما بدون شک با گوشه هایی از آنچه در وطن بریاد رفته، اشغال شده و مافیایی شده ام میگذرد آشنایی دارید. مردم افغانستان طی سی سال گذشته قربانی تخاصمات قدرت های جهانی و منطقه ای و احزاب و سازمانهای مزدور شان در افغانستان بوده اند و زنان همیشه نخستین و آسانترین قربانیان بوده اند. به تعقیب تجاوز شوروی سابق به افغانستان، دولت ایالات متحده امریکا برای ویتنام ساختن افغانستان برای روسها، مردم ما را قربانی ساخت. برژنسکی مشاور امنیت ملی امریکا اعلان کرد که "بنیادگرایی اسلامی بهترین متحد ما در جنگ علیه کمونیسم است" و از آنزمان بدین سو موجی از کمک های مالی و تسلیحاتی به گروههای سیاه و قرون وسطایی ادامه داشته است بی توجه به اینکه این نیروهای شیطانی چه روزگاری را بر



گوتنبرگ - سویدن - ۶ مارچ ۲۰۱۰

دوستان گرامی،

اولتر از همه روز جهانی زن را به تمامی زنان دربند جهان و بخصوص ایران و افغانستان تبریک میگویم و از دوستان سازمان آزادی زن اظهار سپاس میکنم که از من در کنفرانس امروزی دعوت به عمل آوردند تا در مورد فاجعه جاری در وطن نگویند با شما درد دل نمایم.

مردم ایران و افغانستان درد مشترکی دارند و هردو ملت در پنجالیهای جرثومه ای به نام بنیادگرایی اسلامی فشرده میشوند. بیش از سی سال است که رژیم های آزادیکش،

نه به سنگسار = نه به جمهوری اسلامی!



۴۴۰۰ درصد افزایش یافته است و امریکا و متحدانش خود در قاچاق و تولید آن دست دارند و اینان سوده‌های چندین بلیون دالری از آن میبرند. مواد مخدر فعلا به دشمن خطرناکتر از القاعده و طالبان برای افغانستان و مردمش مبدل گشته است.

دیگر همه دنیا میداند که القاعده و طالبان خود نیروهای ساخته و پرداخته امریکا بوده اند و هنوز هم با هزار رشته با هم ارتباطات پنهانی دارند. اسناد فراوانی در دست است که نشان میدهد امریکا خود غیرمستقیم به طالبان کمک میکند تا افغانستان را متلاطم و ناامن نگهدارد. اینان برای حضور طولانی مدت شان در افغانستان وجود طالبان و القاعده را بهانه مناسبی یافته اند. امریکا برای کنترل رقیبان منطقوی اش چون چین، روسیه، ایران و و چپاول منابع وسیع نفت و گاز جمهوریت های آسیای میانه برنامه های طولانی مدتی در افغانستان دارد و رسیدن به آن را با تکیه بر نیروهای ضد دموکراسی و ضد آزادی نظیر طالبان و ائتلاف شمال میسر میداند. برای حضور نظامی در افغانستان، طبق ضرب المثل "تفرقه ببنداز و حکومت کن" عمل میکنند، و بصورت بیشرمانه اختلافات ملیتی، مذهبی، زبانی و فرقه ای را در افغانستان دامن میزند و به این منظور جمعی از روشنفکران خود فروخته افغان را در بدل دالر و کرسی های

برایش کمپاین انتخاباتی پر زرق و برق به راه انداختند. رژیم آزادیکش جمهوری اسلامی ایران هم که از مدتها باند شورای نظار عبدالله را مورد حمایت قرار میدهد، در خفا با ارسال کارشناس و مبالغ هنگفت پول درین نمایشات ننگین نقش بازی کرد.

افغانستان درین سالها به آزمایشگاه پیشرفته ترین سلاح های امریکا و ناتو مبدل شده و با ریزش بمب های غول پیکر حاوی مواد شیمیایی و رادیواکتیو طی چند سال گذشته دهها هزار تن از غیرنظامیان از زن و کودک را به کام مرگ کشانیده و محیط زیست افغانستان را بصورت باورنکردنی آلوده ساخته اند.

اینان از یکسو از "جنگ علیه تروریسم" سخن میگویند، از جانبی خونخوارترین تروریست ها را در دولت مزدور شان جا داده اند و پیاپی از ملا عمر و سایر خونخواران طالبی دعوت به پیوستن به دولت پوشالی شان میکنند. امروز که ظاهرا بنیادگرای خونخواری چون گلبدین در لیست سیاه امریکا قرار دارد، اما در پس پرده هنوز هم با او در حال مغزله میباشند. همین چند هفته قبل یکی از افراد کلیدی این حزب به نام عبدالهادی ارغندیوال که شاخه علنی این حزب را در کابل رهبری میکند، به حیث وزیر اقتصاد در کابینه دولت مافیایی کرزی نشانده شد و سال گذشته سخنگو و نفر دوم حزب به نام غیرت بهیر از زندان بگرام رها گردید.

اینان طی چند سال گذشته افغانستان را به مرکز مافیای مواد مخدر جهان مبدل ساختند که در آن بیش از ۹۲ درصد تریاک جهان تولید میشود. تولید مواد مخدر در افغانستان از ۲۰۰۱ بدینسو، بیش از

در کل نیست، ما با اسلام بنیادگرایی عبدالرب رسول سیاف، گلبدین حکمتیار، ملا عمر، یونس قانونی، برهان الدین ربانی، آصف محسنی، کریم خلیلی و غیره مشکل داریم. به نظر اینان اند که با سوء استفاده از عقاید و باور های مردم در جهت اهداف سیاسی شان، باعث آنهمه ویرانی و بدبختی و جنایت و بربریت شده اند و افغانستان را به این وضعیت فلاکتبار کنونی کشانیده اند. من اعتقاد دارم که تنها در جامعه ای که مذهب به مثابه مسئله شخصی افراد موقعیت جدا از سیاست داشته باشد، درین صورت دموکراسی، حقوق زنان، تمدن و سایر مظاهر انسانیت میتواند جایگاه ارزنده اش را دریابد.

دوستان عزیز،

طی بیش از هشت سال گذشته، امریکا و ناتو همچون گرگان هار بر جان لاشه رنجور وطنم جنگ انداخته و بازی های کثیف و خاینانه ای را با مردم ما به راه انداخته اند. با انتخابات دروغین و مملو از تقلب دولت فاسد ساخت خودش را صیغه قانونی داده و مطبوعات غربی نیز با دروغ پراکنی میخواستند تاج دموکراسی را بر سر آن بنشانند. جناحی از این کشورهای غربی بالاخص دولت فرانسه در انتخابات اخیر تلاش ورزیدند که سرکرده جنگسالاران ستمکار دکتر عبدالله را همچون عروسکی علم کنند و طوری تبلیغ نمایند که گویا پیروزی وی میتوانست سرآغاز دور تازه ای از خوشبختی و رهایی برای مردم افغانستان باشد. اینان بطور دردناکی کوشیدند که بر جنایات و خیانت های عبدالله و باندهش پرده اندازند و با مصرف دهها میلیون دالر

دموکراسی و آزادی و دشمنی با حقوق زن و حقوق بشر است گرچه با شیادی برای فریب توده ها از دموکراسی و حقوق بشر هم حرف میزنند. همچنان تمامی اینان به استخبارات خارجی و در راس سی آی ای وابسته اند و از آنجا تمویل میگردند.

از آنچه بنیادگرایان وحشت دارند، شعار سکیولاریزم است چون اینان میدانند که در یک جامعه سکیولار، دکان دین فروشی اینان بسته شده و شعارهای دروغین شان خریداری نخواهد داشت. اینان ضمنا از مبارزه و خیزش زنان واهمه دارند ازینرو با قید و بند های خاینانه تلاش نموده اند تا این نیم نفوس را در سیاهی و جهل نگهدارند. اما خوشبختانه طی سه دهه اخیر، بنیادگرایان در بین مردم ما به تمام معنی پایگاه مردمی خود را از دست داده و به گروههای منفور مبدل شده اند که اگر زور تفنگ، دالر و دست بداران غربی شان از سر اینان کوتاه شود، اولتر از همه بوسیله مردم ما تار و مار خواهند شد. در چنین شرایطی دیگر شعار سکیولاریزم برای مردم ما شعار دلپذیر میباشد. اگر یک دهه قبل سکیولاریزم به مثابه اندیشه الحادی تبلیغ میشد و در افکار مردم زده شده بود، اما امروز حقیقت طور دیگرست و من در زادگاهم در ولایت فراه افغانستان، در دور افتاده ترین قریه ها در سخنرانی هایم از ضرورت سکیولاریزم سخن گفته ام که مورد استقبال مردم قرار گرفته است. من حتی در سخنرانی ای که در یکی از مساجد فراه داشتم از سکیولاریزم سخن گفتم چیزی که چند دهه قبل غیرقابل تصور بود.

در افغانستان مشکل ما با اسلام

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!



چطور ممکن است به ایران و افغانستان و سایر کشورها دموکراسی به ارمغان آرد؟ نوام چامسکی به حاکم امریکا هیچگاهی دموکراتیک نبوده است. وی گفته

نیروی بیشتر میگیریم.

من با استفاده از هر تربیونی تلاش نموده ام تا ماهیت خاینانه و ارتجاعی رژیم تئوکراتیک ملایان ایران را برملا سازم و روشنفکران افغان جاسوس این رژیم را بی نقاب نمایم، متقابلاً من از دوستان ایرانی نیز این انتظار را دارم که عرصه را برای آن عده قلم بدستان و عناصر مزدبگیر رژیم آخوندی که در خدمت نیروهای سپاه و خیانت پیشه افغانستان قرار دارند تنگ ساخته ماسک آنان را بدرند. بطور نمونه وقتی عناصری چون محسن مخملباف، چنگیز پهلوان، رضا دقتی، مسعود بهنود و غیره در خدمت باندهای مافیایی شورای نظار در افغانستان فعال اند و برایشان آثار هنری می آفرینند. یا وقتی شاعران سرشناس ایرانی مثل پرویز خاچی، علی صالحی، علی سپانلو و دیگران در مدح احمد شاه مسعود این قاتل هزاران هموطنم مدیحه سرایی میکنند، متأسفانه از جانب هیچ شخصیت و نهاد ایرانی در برابر اینان صدایی برنیامد.

به نظرم ما باید مجدانه روی برپایی یک جنبش ضد بنیادگرایی جهانی متشکل از تمامی کشورهایی چون ایران، افغانستان، پاکستان، بنگلادیش، مصر، سودان، عراق و غیره که در زیر سایه بنیادگرایی اسلامی بسر میبرند کار کنیم تا در عمل در مبارزه مشترک با همدیگر همگام باشیم.

نغزی دارد که رساننده واقعبیت سرسختی میباشد: «همواره اندیشیده ام که اگر قرار باشد یک دیکتاتوری فاشیستی کارا روی صحنه بیاید، آنگاه انتخاب سیستم امریکا خواهد بود.»

توده های کشور های فقیر نظیر افغانستان و ایران جز مبارزه دموکراسی خواهانه و ضد استعماری انتخاب دیگری ندارند.

دوستان عزیز،

مردم و نیروهای آزادیخواه و انقلابی ایران و افغانستان با توجه به اینکه هردو با خطرناکترین نوع طاعون بنیادگرایی اسلامی در مبارزه اند، باید همبستگی عملی باهم داشته باشند. وقتی دشمنان ما باهم متحدانه عمل میکنند و یکی در خدمت دیگری قرار دارند، چرا نباید نیروهای آزادیخواه و مترقی این دو کشور چنین همسویی ای باهم داشته باشند؟ من مبارزه دموکراسی خواهانه و ضد بنیادگرایی شما را مبارزه خود میدانم، با هر ضربه ای که مردم ایران به پیکر فرسوده رژیم آخوندی میزنند، در واقع خدمتی برای برکندن ریشه های بنیادگرایی و استبداد در افغانستان کرده اند. با دیدن جنبش خروشان و آزادیخواهانه و از جان گذری و مقاومت دلیرانه مخصوصاً جوانان ایران در برابر استبداد آخوندی، ما در افغانستان

برای بذر ویروس بنیادگرایی نوع آخوندی در کشور ما دارد.

وضعیت کنونی افغانستان درس خوبی به آن نیروها و گروههای ایرانی نیز میتواند باشد که برای حمله نظامی امریکا به ایران روزشماری میکنند و آن را راهی برای رهایی از چنگ رژیم آزادیکش آخوندی میدانند. این دوستان باید بدانند که نه دموکراسی اهدایی امریکا و نه رفرمیزم موسوی و کربوبی هیچکدام به مردم ایران آزادی و خوشبختی به بار نخواهد آورد. مردم ایران پوچ بودن و عوامفریبانه بودن شعارهای رفرمیزم را در دوران ریاست جمهوری خاتمی تجربه کردند و دریافتند که اینان تافته جدا بافته از رژیم فاشیست ولایت فقیه نبوده و فقط جناحی از حاکمیت را تشکیل میدهند. به همین صورت امریکا نیز جز چپاول، ویرانی و غارتگری تحفه ای برای مردم ایران نخواهد داشت. مردم افغانستان به تجربه دریافتند که دموکراسی و آزادی را هیچ کشور نمیتواند و نمیخواهد به ملت دیگری ارزانی دارد مگر اینکه این ارزش های انسانی را به قیمت خون و عرق خود بدست آرند و سیراب نمایند.

وقتی سیستم حاکم بر امریکا خود بر پایه دموکراسی استوار نیست و

از آزادی ستیز ترین و خونریزترین رژیم های نظیر رژیم صیہونیست اسرائیل و شیخ های عرب حمایت میکند و پیشه اش غارتگری و تجاوز و قتل و کشتار است، پس

دولتی به خدمت گماشته است. امریکا و متحدانش طی سه دهه اخیر دریافته است که این گروهها تاریک اندیش و مزدور بنیادگرا اند که میتوانند در برابر پول و امکانات به مزدورانش مبدل شده و در خدمت پیشبرد سیاست های امپریالیستی اش قرار گیرند. از همین رو سیاست تقویت و تسلیح این گروهها همچنان با جدیت ادامه دارد و برای به حاشیه راندن و سرکوب نیروها و شخصیت های آزادیخواه و انقلابی تمامی تلاش ممکن صورت میگیرد.

از خوان کشور ما طی سالهای اخیر رژیم منفور جمهوری اسلامی ایران نیز بی بهره نمانده است و تلاش همه جانبه برای گسترش نفوذش در آن داشته است. اگر در جریان جنگ ضد روسی در افغانستان گروههای هشتگانه مزدورش را در خاک ایران تجهیز نموده و با شیوه های فاشیزم آخوندی آشنا ساخته بر اساس حکم خمینی برای صدور انقلاب اسلامی به افغانستان گسیل داشت، امروز هم تعدادی از جاسوسانش مثل کریم خلیلی، محقق، سرور دانش، اسماعیل



خان و غیره در مقامات مهم دولتی جا دارند. ایران با استفاده از این جواسیسش اختلافات مذهبی و ملیتی در افغانستان را دامن زده و تلاش

دیگر بس است، حجاب را بسوزانیم!

افغانستان با پشتوانه حمایت مردم ستمکش افغانستان تا جان در تن دارم علیه خائنان ملی وطن مبارزه خواهم کرد. تا ازین طریق به دولت متجاوز امریکا و متحدان غربیست نیز بفهمانیم که مردم افغانستان شیفته صلح و آزادی و دموکراسی اند و هرگز سلطه جاسوسان و آدمکشان را نخواهند پذیرفت.

زنده باد اتحاد تمامی نیروهای مترقی و انقلابی برضد ارتجاع و بنیادگرایی!

ملالی جویا

www.malalajoya.com

میتواند از میان جو انارشی کنونی سر بلند کند، چرا که ستم و استبداد خواهی نخواهی انزجار و مبارزه مردم را بدنبال خواهد داشت که این خشم در صورتی میتواند موفقیت آمیز باشد که در راس آن یک نیروی دموکراتیک ضد بنیادگرایی و ضد اشغالگران قرار داشته باشد.

من در پیشگاه تمامی آزادیخواهان یکبار دیگر سوگند یاد میکنم که با وجود تمامی خطرات، تهدیدها، فشارها، دشنامها و محدودیت هایی که با آن مواجهم، به مثابه سخنگوی زنان نگونبخت

کرزی به مثابه دلکخ کاخ سفید پیاپی جنایتکاران جهادی، طالبی، خلقی و پرچمی را به مقامات بالا نصب میکند که از همین رو امروز دولتمداران کشور آنانی اند که با مافیای مواد مخدر، جنایات سازمان یافته و جنگسالاران همدست بوده و عامل اصلی تیره بختی کنونی کشور اند.

تنها خیزش مردم ما علیه بنیادگرایان و همدستان شان و برپایی جنبش وسیع دموکراسی خواه میتواند افغانستان را از باطلاق کنونی نجات دهد. من باور راسخ دارم که یک نیروی مقتدر دموکراتیک و مردمی

دوستان عزیز، داستان رنج و مرارت های مردم نگونبخت من بی انتهاست و درین مختصر ممکن نبود گوشه هایی هرچند کوچک آنرا آنطور که دلم میخواهد بیان نمایم.

من اعتقاد دارم که تا زمانیکه یک دولت واقعا دموکراتیک و ضد بنیادگرا در کشور ما برپا نشده، زنجیرهای ستم و بردگی از دست و پای زنان ما زوده نخواهد شد. در چهارچوب دولت پوپنک زده کنونی، چشماشت کوچکترین تغییر مثبت در وضعیت زنان خواب و خیالی بیش نیست. آقای



در ماه های اخیر صدها نفر کشته شده و تعداد بسیار بیشتری زندانی شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند. تجاوز و تجاوزهای دستجمعی بعنوان یک متد شکنجه کاملا متداول شده

است. در ماه ژوئیه، ترانه موسوی، یک زن جوان در تظاهرات خیابانی در تهران دستگیر شد و بر اثر تجاوز دستجمعی کشته شد. پدر ترانه پس از این واقعه دردناک در اثر سکنه قلبی درگذشت و مادرش ناپدید شد. یک زن ۲۴ ساله به نام الهه، در ۸ ژانویه، در عشرت آباد زیر شکنجه جان سپرد. در ۲۸ ژانویه دو زندانی سیاسی بنام های محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی پور اعدام شدند. این رژیم تهدید کرده است که زندانیان سیاسی بیشتری را اعدام خواهد کرد، از جمله شیرین علم هویی و زینب جلالیان به جرم همکاری با پژواک حکم اعدام دریافت کرده اند.

ابتکار فمینیستی اروپا صمیمانه همبستگی خویش با مردم، به ویژه زنان ایران را اعلام و قاطعانه خشونت رژیم اسلامی

اسلامی قرار گرفته اند. جنبش اعتراضی در ماه های اخیر بیش از پیش رادیکالیزه شده است. مردم در روزهایی که اهمیت سیاسی، ایدئولوژیک یا مذهبی برای رژیم دارد، تظاهرات ضد رژیم سازمان داده اند. صدای "مرگ بر خامنه ای"، "جمهوری اسلامی نمیخوام، نمیخوام" و "خامنه ای بدونه، بزودی سرنگونه" وسیعا در خیابان های تهران و سایر شهرها به گوش میرسد. عکس های خامنه ای و خمینی در تظاهرات به آتش کشیده شده است. مردم مقدسات مذهبی را به سخره میگیرند و سمبل های مذهبی را به آتش میکشند.

زنان در پیشاپیش این جنبش اعتراضی قرار دارند. جهانیان با تحسین و حیرت، شجاعت و قاطعیت آنها را در مبارزه برای حقوق خویش، برای آزادی، علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب و علیه یکی از زن ستیز ترین رژیم های دوران معاصر، دنبال میکنند.

رژیم اسلامی در یک بحران عمیق بسر میبرد و بمنظور حفظ خویش وحشیانه هر اعتراضی را سرکوب میکند.

کنفرانس بین المللی برای برابری زنان، علیه خشونت و برای سکولاریسم که در ۶ مارس ۲۰۱۰ در شهر گوتنبرگ، سوئد توسط سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا سازمان یافته بود یک بخش از برنامه خود را به انعکاس ستم بر زنان و مقاومت و مبارزه زنان علیه این ستم و سرکوب در ایران اختصاص داد. در این بخش لیلین هالس-فرنج رئیس ابتکار فمینیستی اروپا پیام همبستگی این سازمان و کنفرانس را قرائت کرد. وی اعلام کرد که در تابستان گذشته ابتکار فمینیستی اروپا پیام دیگری تحت عنوان "به شما افتخار میکنیم!" خطاب به زنان آزادیخواه و مبارز ایران صادر کرد. این پیام در پایان کنفرانس در میان ابراز احساسات حاضرین بعنوان قطعنامه کنفرانس بتصویب رسید.

پیام ابتکار فمینیستی اروپا به زنان ایران

همبستگی با مبارزه زنان ایران از ژوئن ۲۰۰۹ (خرداد ۱۳۸۸) مردم ایران در یک جنگ رو در رو با رژیم

را محکوم میکند. ابتکار فمینیستی اروپا احکام اعدام زندانیان سیاسی، از جمله شیرین علم هویی و زینب جلالیان را محکوم میکند و خواهان آنست که سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه های بین المللی محاکمه شوند.

ابتکار فمینیستی اروپا کلیه سازمان ها و افراد فمینیست، طرفدار حقوق بشر و صلح دوست را فرامیخواند تا در این اعلام محکومیت با ما هم صدا شده و اعتراض خود را ابراز نمایند.

ابتکار فمینیستی اروپا در ادامه این جنبش همبستگی با مبارزه زنان در ایران برای آزادی، برابری و علیه خشونت تعهد خویش به این امر را در روز جهانی زن بطور ویژه انعکاس خواهد داد.

کمیته هماهنگی اروپا ■

رهائی زن همین امروز!

یادداشتی کوتاه بر انقلابی بزرگ!

زلزله در ایران! - جنبش آزادی زن از پرتاب حجاب تا پرتاب سنیه بند!

آخوند حجت الاسلام کاظم صدیقی نه زمین شناس است و نه فروشنده لباس زیر زنانه. ایشان آخوند است و میدانند که خطر مارش زنان برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی نزدیک است.

دیگر میدانند آب از سرشان در حال گذشتن است. دیگر صحبت از رعایت حجاب نیست. صحبت از انقلاب است. آنهم انقلاب زنانه. ایشان میدانند که انقلاب زنانه یعنی چه؛ یعنی زلزله. یعنی بدبختی برای ارزشهای اسلامی.

این یک حقیقت است. حقیقتی به بزرگی تمام دنیا. ما زنان دیگر به کم راضی نیستیم. دیگر نمیخواهیم مثل مادرانمان باشیم. دیگر نمیخواهیم حتی فرزندانمان

زلزله زنانه یا انقلاب زنانه؟

پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ سازمان آزادی زن جلسه ای در شبکه پالتاک و یاهو منسجر با تیتراژ زلزله زنانه یا انقلاب زنانه برگزار کرد. سخنران این جلسه آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن بود. در این سخنرانی آذر ماجدی به وقایع اخیر در مورد سخنان صدیقی، امام جمعه موقت تهران، در زمینه رابطه "بدلباسی" زنان با "زنا" و وقوع زلزله و عکس العمل وسیعی که به این سخنان خرافی و ضد زن در سطح بین المللی ایجاد شده پرداخت. وی گفت که علت این عکس العمل وسیع و جنبشی که به راه افتاده است، موقعیت جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلب در جامعه ایران و در مرکز آن جنبش آزادی زن است. او اشاره کرد که به خاطر این جایگاه رفیع و شامخی که جنبش آزادی زن در جامعه ایران و در مبارزه علیه رژیم اسلامی دارا است، ما به شکل گیری یک انقلاب زنانه در ایران تاکید داریم. این به این معنا است که جنبش آزادی زن، آزادیخواهی زنان و رادیکالیسم ضد زن

مثل ما باشند. ما دیگر به هرچه که اسم عفت و نجابت روی آن گذاشته میشود در حال پشت کردنیم. از شنیدن این الفاظ حالمان بهم میخورد. ما زنان دیگر مدتهاست که به سیم آخر زده ایم. صحبت دیگر از حجاب نیست. حجاب بهانه ای بیش نیست. ما آزادی میخواهیم. آزادی بدون قید و شرط. ما میخواهیم همه ی مرزها را در هم بشکنیم. همه ی حصارهایمان را خراب کنیم. ما میخواهیم عفت را کنار بگذاریم و نجابت را که به

قلاعه بردگی مان تبدیل شده از گردن باز کنیم. و هروقت که خواستیم پرده های بکارتمان را بر باد دهیم. میخواهیم در عشق ورزی با هرکسی که میخواهیم و میخواید با ما باشد آزاد باشیم.

ما آزادی را برای لذت بردن از تمام نعمات این دنیای وارونه میخواهیم. سکس هم از نعمات است. سینه ی زنان هم نعمتی است. البته که نعمت است. جزئی از وجودمان

در اروپا انقلاب جنسی مدتها پیش اتفاق افتاد. در ایران دیر شده است. مدتهاست که دیر شده. وقت آن رسیده که سنیه بندهایمان را به اعتراض به موقعیت تحقیرآمیزمان در کوچه و خیابانهای شهرهای ایران بر در و دیوارها آویزان کنیم و انقلاب زنانه را به هویت تغییراتی انسانی در ایران تبدیل کنیم.

پروین کابلی ۲۷ آوریل ۲۰۱۰

جنبش ملی - اسلامی مطرح شد. در این جلسه حدود صد نفر شرکت داشتند. نوارهای آدیویی این سخنرانی و بخش پرسش و پاسخ بزودی در سایت های زیر

www.azadizan.net

www.wupiran.org

قابل دسترس عموم خواهد بود.

سازمان آزادی زن

۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹



اکسیون ۸ مارس ۲۰۱۰ در گوتنبرگ سوئد

ستیزی و ضد مذهبی ای که در این جنبش وجود دارد، رنگ خود را به تمام جنبش های اجتماعی در جامعه زده است. این جنبش دارای پتانسیل بسیار عمیق زیر و رو کننده است. با پیروزی این جنبش نه تنها جامعه ایران از رژیم اسلامی خلاص شده و میتواند بسوی یک جامعه آزاد و برابر رهنمون شود، بلکه دریچه ای بسوی آزادی زن و سکولاریسم در تمام دنیای تحت سلطه اسلام گشوده خواهد شد. این جنبش پتانسیلی همچون انقلاب جنسی در دهه ۶۰ و ۷۰ در غرب و انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ در رابطه با اسلام دارا است.

پرسش و پاسخ

در بخش پرسش و پاسخ مباحث متنوع و جالبی از جمله سکولاریسم، معنا و موقعیت آن در ایران، راه رهایی زنان و جامعه از شر جمهوری اسلامی، خشونت و سرنگونی و اصلاح طلبان حکومتی و

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

azadizan@gmail.com

www.azadizan.net

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی:

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن:

آدرس سایت: